



تهران | ۱۳۶۲

نویسنده: اسلاو نبادراکولیچ

کمونیسم رفت،
مامانندیم
وحتے خندیدیم

مترجم: رویا رضوانے

سرشناسه | در لیچ، سلاونکا، ۱۹۴۹ - م. | Drakulić, Slavenka
عنوان و نام پدیدآور | کمونیسم رفیق، ما ماندیم و حتی خندیدیم / اسلاونکا دراکولیچ؛
ترجمه | رضوانی.

مشخصات نشر | تهران: نشر گمان، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری | ۲۸۸ ص: ۱۹/۵×۹/۵ س.م.

شابک | 978-602-94072-1-1

وضعیت فرست نویسی | ایما

یادداشت | عنوان اصلی: How we survived communism and even laughed , 1992.

موضوع | دراکولیچ، اسلاونکا، ۱۹۴۹ - م.

موضوع | Drakulić, Slavenka

موضوع | کمونیسم -- اروپای شرقی

موضوع | نویسندگان یوگسلاوی -- سرگاز

موضوع | اروپای شرقی -- سیاست و حکومت -- ۱۹۴۵ - م.

شناسه افزوده | رضوانی، رویا، مترجم

رده بندی کنگره | ۱۳۹۲ / ۵ / HX۳۶۵

رده بندی دیویی | ۹۴۹ / ۷۰۲۴۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی | ۳۲۷۱۳۱۹

این کتاب ترجمه‌ای است از: How we survived communism and even laughed
Slavenka Drakulic | Harper Perennial | 1993



| کما حقہ رفته، ما ماندیم و حتی خندیدیم |
| How we survived Communism & Emancipated |
| مجموعه "زندگی و هنر زندگی" |
| سرپرست: سیدرضا صبوری | مجموعه | خشایار دیهیمی |

نویسنده	اسلاوا دراکولویچ	Slavenka Drakulic
مترجم	رویا رضایی	
ویراستار	خشایار دیهیمی	
نمونه خوانی متن	آرزو رضایی	
بازخوانی نهایی	آرزو رضایی	
بازبینی نهایی متن	مانا رضایی	

طرح روی جلد	بهرام داوری
مدیر هنری و طراح جلد	محمود منفرد
نظارت فنی و چاپ	حمیدرضا صبوری
حرفه نگاری و صفحه آرایی	فرحناز رسولی
لیتوگرافی	امین گرافیک
چاپ جلد و متن	صنوبر
صحافی	سیدار

شابک	978-600-94072-1-7
چاپ اول	۱۳۹۲
شمارگان	۱۷۰۰ جلد
قیمت	۱۲۸۰۰
ایمیل	nashr.gaman@gmail.com

فهرست

۹	سخن سرپرستان موعود
۱۵	سر آغاز
۱۷	قدردانی
۱۹	مقدمه: امر سیاسی یعنی امر پیش‌یافتنی
۲۹	قهوه را که نمی‌شود تنهایی خورد
۴۱	پیتزا در ورشو، کیک در پراگ
۵۵	آرایش و دیگر مسائل حیاتی
۷۱	یاد اولریکه، در این شب زمستانی
۸۸	و اما رختشویی
۱۰۱	عروسکی که پیر شد
۱۰۷	عقبگرد، پیش به سوی گذشته!
۱۲۹	رودررو با مأمور سانسورم
۱۳۷	استعداد غریب تقسیم سلولی آپارتمان‌های ما
۱۵۱	شعبه کوچک اطلاعات

۱۶۵	زبانِ سوپ
۱۷۷	در نیویورک چه دیدم؟
۱۸۹	نامه‌ای از آمریکا
۲۰۳	تردیدهایی دربارهٔ پالتو پوست
۲۱۵	انتخابات، بالون سرخی که باد نداشت
۲۲۷	روایت‌های ریانی من
۲۳۵	دیده‌ارهای ما
۲۴۹	روزنامهٔ «ک»
۲۶۳	کمونیسم است و ماندیم
۲۷۹	سخن آخر
۲۸۷	دربارهٔ نویسنده

سخن سرپرست مجموعه

«فلسفه» در همه کشورها و همه فرهنگ‌ها، از جمله کشور خودمان، واژه‌ای پراکنده است. کتاب‌های فلسفه هم غالباً در قفسه‌ها در جایی قرار می‌گیرند که مناسبت با همین ابهتشان باشد. به اصطلاح خودمانی، آن بالاها قفسه مردم هم به دیده احترام به فلسفه می‌نگرند هم در عین حال از آن می‌ترسند. کمتر کتابخوان عادی به سراغ کتابی می‌رود که عنوان فلسفه را در جلدک می‌کشد. به نظر آنها فلسفه خواندن کار هر کسی نیست. بنابراین عطایش را به لقایش می‌بخشند. و البته با وضع کنونی این کشور به دور از حقیقت هم نیست.

اما بگذارید کمی بیشتر مسئله را بشکافیم. موضوعی بدهیم. اکثر سؤال‌ها که مطرح می‌شود این است که «فلسفه چه است؟» و پاسخ معمولاً دو بخش دارد: از نظر لغوی فلسفه «دوستداری حقیقت» یا «عشق به حقیقت» است، و از نظر رشته‌ای، دانشی نظری و غیراً انتزاعی. اما اولاً این پاسخ تا چه حد مقرون به حقیقت است، ثانیاً آیا این پرسش که «فلسفه به چه کار می‌آید؟» پرسشی بهتر نیست؟ اگر این قول مقبول تقریباً همگان را بپذیریم که خاستگاه فلسفه

یونان باستان و نخستین فیلسوف به معنای متعارف امروزی‌اش سقراط بوده است بحث شاید به مسیر دیگر و بهتری هدایت شود. می‌دانیم که سقراط در کوچه و خیابان و میدان می‌گشته است و سؤال‌هایی فلسفی را با رهگذران در میان می‌گذاشته است و البته شیوه خاص خودش را هم در این کار داشته است که به اصطلاح معمول «محواره» نامیده می‌شود. اما سؤال‌های «فلسفی» سقراط از چه جنبی بودند؟ سقراط عمدتاً سؤال‌هایی را مطرح می‌کرد که با زندگی، اخلاقیات و خصائل افراد ارتباط داشت. و یونانیان طرف محاوره، که رومانیلسوف هم نبودند، از بحث درباره این سؤال‌ها پرهیز می‌کردند. امروز هم اگر نظیر همان سؤال‌ها از هر کس پرسیده شود هرگز کسی گویا این بحث‌ها فلسفی است پس من که فیلسوف نیستم درگیر آن نمی‌شوم. اما هر چه از دوران سقراط فاصله گرفتیم و علی‌الخصوص پس از انتشار کتاب مابعدالطبیعه‌اش، فیلسوفان به دو دسته کلی تقسیم شدند: فیلسوفان هنر زندگی و فیلسوفان نظری سیستماتیک. آن دسته اول همان را سقراط را در پیش گرفتند، یعنی طرح سؤال‌هایی که به هر کس از هر زندگی ربط پیدا می‌کند و پاسخ به این سؤال‌ها «راه زندگی» هر کس را معین می‌کند. اما عده بیشتری در دسته دوم قرار گرفتند و به بحث‌های انتزاعی پیچیده پرداختند و اوج آن پدید آمدن فلسفه تحلیلی بود. دسته اول اکثراً به تجربه‌های زندگی و علی‌الخصوص زندگی خودش اکتفا می‌کردند و سعی می‌کردند از این طریق بلکه به بهترین راه و روش زیستن (چه حیات فردی چه حیات اجتماعی) دست یابند. نوشته‌های اینان بسیار شبیه نوشته‌های ادیبان و شاعران بود. برای

همین آن دسته دوم که قدرت و وسعت بیشتری پیدا کرده بودند اینان را نه فیلسوف، بلکه همان شاعر و ادیب می خواندند یا حتی بعضاً شارلاتان‌هایی که دل از نوجوانان می ربایند. اما فیلسوفان هنر زندگی هم متقابلاً فیلسوفان نظری سیستماتیک را که فلسفه را امری غیرشخصی می دانستند و به بحث در کلیات اکتفا می کردند افرادی گمراه خودنریفته قلمداد می کردند که فلسفه را از وظیفه اصلی اش، که هر چه بهتر کردن زندگی است، دور می کنند و بدل به دانشی کاذب که بی هیچ کسب و کسب، افرادی نظیر مونتینی، پاسکال، شوپنهاور، کیرگگور، راسن، و کلاگزیستانسیالیست‌ها را می توان در دسته اول قرار داد و حتی شاید بتواند ویتگنشتاین را هم به آنها افزود. دسته دوم از فیلسوفان مدرسی (سکولاستیک) آغاز می شوند و به فیلسوفان زبان ختم می شود. البته فیلسوفانی بینابینی هم در این میان وجود دارند، مثل روسو، یونگ، و بسیاری دیگر. این بحث البته دامنه بسیار گسترده‌ای دارد، اما هدف من از طرح اجمالی آن توضیح دادن دلیل برای ضرورت فراهم آوردن این مجموعه گسترده بود.

از نظر من فلسفه فقط رشته‌ای دانشگاهی نیست که در دانشگاه خوانده شود و مختص عده خاصی باشد که در این رشته تحصیل می کنند. فلسفه به همه تعلق دارد و همه ما از کودکی سرریز می کنیم که جنبه فلسفی آشکاری دارند. شاید کمتر کسی باشد که این سؤال‌های فشرده در این بیت گاه‌به‌گاه به ذهنش خطور نکرده باشد: از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود / به کجا می‌روم آخر نمایی وطنم. در واقع همه این سؤال‌ها فلسفی هستند: از کجا آمده‌ایم، که هستیم، چه

باید بکنیم، معنای زندگی مان چیست، و عاقبت کارمان چه. تولد، مرگ، خوشبختی، نیکی، بدی، معیارهای زندگی، و همه خصائل انسانی در دل این سؤال‌های فشرده نهفته‌اند. پس درست است که ما همه فیلسوف حرفه‌ای نیستیم، اما همه‌مان به مسائل فلسفی، در عیان و نهان، فکر می‌کنیم و این فکر کردنمان بر شیوه زندگی و سبک زندگی ما تأثیر می‌گذارد. پس فلسفه در این معنا یک دانش انتزاعی به دور امور مختص عده قلیلی نیست. کتاب‌های «فیلسوفان هنر زندگی» را می‌توانیم به عنوان راهنمای عمل کردن، چه برای اعتلای خودمان، چه برای زیست‌پذیری در جهان، و کاستن از دردها و افزودن بر شادی‌ها پی می‌بریم.

متأسفانه در کشور ما هم نظر اغلب نویسندگان و مترجمان فلسفه معطوف به کتاب‌های سیستماتیک است، کتاب‌هایی که خوانندگان احساس می‌کنند نویسنده‌اش اصلاً تلاشی نمی‌کند تا زندگی را با همه آشوب‌هایش، پوچی‌هایش، ردهایش، خوشی‌هایش، سرخوردگی‌هایش، اضطراب‌هایش و خلاصه‌فروشی‌هایش درک کند، درگیرشان شود، و ما را نیز همراه با خودشان درگیرشان کند. برعکس، این احساس به خواننده دست می‌دهد تا با این انتزاعی روبروست که تقریباً هیچ ربطی به واقعیت ندارند. اما واقعیت این است که ما در زندگی مان با همه این پدیده‌ها سروکار داریم و نیایند که هر چه بیشتر از وضع زندگی مان و خصوصاً احساساتمان سر در بیاوریم، دست به داوری‌های ارزشی بزنیم، و مبنایی برای این داوری‌های ارزشی پیدا کنیم. فراتر از همه، ما سخت نیازمند درک

معنای زندگی و آشنایی با «هنر زندگی» هستیم. اما مجموعه کتاب‌های فلسفی که در ایران منتشر می‌شوند کمتر به این مسائل می‌پردازند و در نتیجه ما به لبه پرتگاهی دوسویه کشانده می‌شویم که یک سویش یا وانهادن فلسفه و یا صرفاً تبدیل این کتاب‌ها به کتاب‌های بالای تاقچه‌ای برای قمیز در کردن است، و سوی دیگرش، روی آوردن به کتاب‌های به اصطلاح «زرد» به قلم افرادی است که پیش‌ها بی‌مقدم دستی به این سؤال‌ها می‌دهند و راه‌حل‌های یکسان آسان برای همه مشکلات همگان پیش پا می‌نهند که همه با آنها آشنا هستیم: «راه‌های مسیختی، ۲۰ راه برای غلبه بر اضطراب، ۵۰ توصیه برای زندگی پرباش» و... انگار انسان‌ها ماشین هستند و می‌توان برای مشکلات افرادی به نام مشترک اما کیفیت متفاوت دارند، راه‌حل یکسانی عرب سرد کرد تا همه بیفتند. این کتاب‌ها اکثراً به نظر من خطرناک هم هستند، زیرا افراد را از اندیشیدن به مسائل و مشکلاتشان معاف می‌کنند و نسخه‌ای می‌پسند که همه به یکسان از آن استفاده کنند.

این موقعیتی خطیر است که جامعه ما و احزاب را تهدید می‌کند. البته هرگز نمی‌توان با اغراق ادعا کرد که مثلاً با چنین مجموعه‌ای می‌توان به چنین نیاز معطل مانده‌ای پاسخ داد، اما به هر حال گامی کوچک در این راه باشد. انتشار کتاب‌هایی فلسفی که نه فقط با صدای عقل، بلکه با شور زندگی، با ما درباره مسائلمان سخن می‌گویند، آن هم نه با اعلام حکم قطعی در هر مورد، که قطعاً در توان هیچ‌کس نیست، بلکه با نور تاباندن بر زوایای تاریک و پیچیدگی‌های

مسائل زندگی و دعوت از خود ما برای تفکر بیشتر و یافتن راه‌حل‌های مخصوص به خودمان، یعنی فکر کردن به «هنر زندگی» با مدد گرفتن از «تجربه» دیگران.

عناوین این مجموعه پرشمارند و طبیعتاً بعضی حتی عناوین مشترک یا شبیه هم دارند، زیرا اینها مسائلی است که تقریباً همه انسانان هنر زندگی دغدغه‌اش را دارند: معنای زندگی، خوشبختی، ناپوستی، سرشت بشر، فضیلت، مبانی ارزش‌ها، شخصیت، مزاجی، سلامت‌آمیز، ترس، درد، بیماری، ملال، و....

این مجموعه تقریباً پایانی ندارد، اما فعلاً در هر ماه حداقل دو کتاب عرضه خواهد کرد و امیدواریم با یاری شما بتوانیم باب تازه‌ای را در نشر کتاب‌های فلسفی بگشاییم.

با اینکه کتاب «این و آن» «فلسفی» هستند اما چون فلسفی به همان معنای خاصی است که توضیح دادم در عنوان مجموعه به جای لفظ «فلسفه» از «هنر زندگی» استفاده شده است، شاید که این بهتر منظور و مقصود این مجموعه باشد. در ضمن مجموعه «تجربه و هنر زندگی» همچنانکه از عنوان هم برآید به دو دسته کتاب تقسیم می‌شود. کتاب‌های نظری «هنر زندگی» زندگینامه‌ها، زندگینامه‌های شخصی، یادداشت‌های پراکنده و خاطرات که صرفاً «تجربه زندگی» هستند.

خسایر در پیچ

۹۲/۱/۱۴